

چرا عارفان غم دنیا ندارند مگر در دنیا نیستند؟

بلی عارفان غم دنیا را ندارند چرا

سرش از نقصان به کمال رسیدن است. آنچه دارد خوش است غم نداشتن را ندارد چرا در بهشت غم نیست؟ چون همه پرند. ¶. جاودانه در آن خواهند بود و از آنجا درخواست انتقال نمی‌کنند یعنی هر کس هر مرتبه که هست حسرت مرتبه دیگر را ندارد اگر حسرت خورد آنجا بهشت نیست. غم از حسرت خوردن است. اگر کسی در همین دنیا به بهشت رسیده باشد غم ندارد. سرمایه ای دارد که جای هر نداشتن را پر کرده است هیچ احساس نداشتن نمی‌آید از این روی غم دیگران به شادی او می‌افزاید. غم دیگران بر او که پر است شیرینی می‌آورد یعنی رنج دیگران شادی او را از خودش بیشتر میکند غم که شادی افزا شد یعنی رنج و بلا بر جان شیرین میشود

بانگ زد یارش که بر در کیست آن - گفت بر در هم توی ای دلستان

گفت اکنون چون منی ای من در آ - نیست گنجایی دو من را در سرا

نیست سوزن را سر رشته دوتا - چونک یکتایی درین سوزن در آ

موجوداتی هستند که فقط همجنس را راه می‌دهند اگر سراپا طرب شد به غم راه نمی‌دهند. وقتی نقصان به کمال رسید، گمال فقط کمال را می‌پذیرد و چون غم نقصان است کمال راهش نمی‌دهد